

آینه

عنا

مردمسالاری و**دیگر هیچ**

محمد مهاجری؛ کلدواژه «مردم‌سالاری» در سخنان دیروز رهبر عزیز انقلاب از برجسته‌ترین موضوعاتی است که توسط ایشان چندبار تکرار شده است... انقلاب معمولا بعد از گذشت دوره‌هایی از عمر خود دچار تحول در اندیشه می‌شوند. برخی از آنها انحراف پیدا می‌کنند، بعضی به ضد خود تبدیل می‌شوند، پاره‌ای پای در راه استبداد می‌گذارند و برخی دچار فراموشی اهداف می‌شوند. وجه مشترک همه این‌ها کنارنهادن مردم به‌عنوان صاحبان انقلاب و «مردمسالاری» به‌عنوان ضامن بقا است... پسندیدنستن مردم‌سالاری به حضور در انتخابات، کوچک‌کردن این واژه است. بنابراین باید راهکارهای حضور مردم را در جامعه بسط داد. یکی از مواردی که حضور مردم را قوت می‌بخشد، پذیرش حق نقد برای همگان است. امروز به‌خصوص با گسترش فضای مجازی، زبان نقد برای همه، امکان گشودن یافته است. وقتی همه بتوانند از ابزار گفت‌وگو استفاده کنند و نظام نیز این ابزار را به رسمیت بشناسد، تحمل هر دو طرف بالا می‌رود. نقدکننده به‌تدریج دارای این فرهنگ می‌شود که چه بگوید، چگونه بگوید و از کدام راه به هدف و مقصود خود دست یابد. از آن سو، مسئولان درمی‌یابند که با ناظری به تعداد همه مردم مواجهند و هرگونه اشتباه و سهوشان به چشم می‌آید. لذا ناگزیرند در محیط‌های شفاف و اتاق‌های شیشه‌ای مدیریت کنند. مردم‌سالاری تنها یک راهبرد برای خوب حکومت‌کردن نیست بلکه خودش دارای ارزش ذاتی است.



پایه جدید انقلاب نهاده شد

● **غلام‌رضا صادقیان**؛ مردم ایران دیروز مستمع مهم‌ترین یا یکی از مهم‌ترین سخنان رهبر انقلاب در چهل سال گذشته بودند که پایه و اساس جدیدی برای انقلاب بند نهاد. میلیون‌ها ایرانی این روزها بر سر «عدالت» که برخی آن را اصلی‌ترین شعار انقلاب می‌دانند، بحث دارند و مصداق‌های بی‌عدالتی هر روز بر سرروزی‌شان می‌بارد؛ رانت‌خواری دولتی و حکومتی، اشرافیت در دولت و برخی نهادهای حکومتی... فلان مسئول با یک اختلاس بزرگ، آزاد می‌گردد، شب‌به‌نگام سر راحت‌تری بر بالین می‌گذارند تا وقتی می‌شنوند حقوق دولتی‌ها افزایش چشمگیری داشته یا در رستوران مجلس چند نوع غذا سرو می‌شود یا خانه فلان مسئول بیش از اندازه بزرگ است و همین مصداق‌های رفاه‌زدگی بیشتر مردم را آزار می‌دهد. البته سخنان دیروز رهبر انقلاب برای برخی از کارگزاران دولت و حکومت قابل‌هضم نیست؛ این کارگزاران مرتجع شکل تازه‌ای از فرهنگ سرمایه‌داری را در یکی دو دهه اخیر رواج داده‌اند و حالا ندای انقلابی رهبر و فریاد عدالت‌خواهی مردم برای‌شان سخت گران و غیرقابل‌فهم می‌آید. دیروز پایه و ستون جدیدی برای انقلاب اسلامی گذاشته شد که در هیچ انقلاب دیگری اتفاق نیفتاده است. مردی از درون انقلاب، عقب‌افتادگی در اجرای اصلی‌ترین شعار انقلاب را می‌پذیرد، عذرخواهی می‌کند و زنگ خطر «بازگشت به عقب» انقلاب را به صدا درمی‌آورد تا حرکت تازه انقلاب اسلامی که زودون آفت اشرافی‌گری مدیران، دل‌سپردن به طبقات مرفه و تکیه بر اعتماد به خارجی‌ها است، آغاز شود.

اطلاعات

کیک وافر**درومیز**

فتح‌الله آملی:
شاید زمانی این کیک آنقدر بزرگ بود که حتی اگر آنها که دورش نشسته‌اند تکه‌های بزرگ‌تری برمی‌داشتند با باقی‌مانده آن می‌توانستند تکه‌های کوچکتری به بقیه بدهند اما هرچه گذشت آنقدر آنها که دور میز بودند تکه‌های درشت‌تری برداشته و تعداد بیشتری شدند و عده‌ای نانجس و طزار نیز یواشکی و درزانه از لای دست بقیه تکه‌های بسیار درشتی را محرمانه برداشتند که دیگر چیز زیادی برای تقسیم نماند.
کسی هم به فکر آن نیفتاد که قرار است این کیک به دهان خیلی‌ها بیاید و درد خیلی‌ها را دوا کند... بر اساس آمار کیک اقتصاد ایران در طول دهه‌های گذشته حداقل به قدر ۱۵ درصد کوچک‌تر شده است و به نسبت کوچک شدن این کیک، آنچه‌که به دهان ملت می‌رسد که همان قدرت خرید آنهاست باز هم کمتر از این... علت آن البته هرچه که باشد نتیجه یکی است، بی‌عدالتی بیشتر و فاصله‌های طبقاتی بیشتر و تولید ثروت کمتر...
اینکه مدیران و مسئولان فقط به فکر بیرون آوردن کلیم خویش از آب هزینه‌ها باشند و جامعه پزشکی یا دانشگاهی یا دستگاه قضایی یا مجلس بتواند حق خویش را از این سفره و سهم خود را از این کیک بردارد ما را به جایی نمی‌رسانند. نتیجه همین می‌شود که دولت هم مرتب بدهی‌هاش را بیشتر می‌کند. اوراق قرضه بیشتری می‌فروشد. بیشتر از همیشه از صندوق توسعه برمی‌دارد و بعد از سال‌ها همین که می‌خواهد به سود بانکی که بانک‌ها را به مرز ورشکستگی کشانده دست بزنند نوسان در بهای ارز پشیمان‌ش می‌کند... مردم خوزستان به‌جای هوا ریزگرد تنفس می‌کنند و از همه بدتر و فاجعه‌بارتر بحران آب و خاک و محیط:زیست کشور است که برای هرکدام از آنها نیازمند پولی هستیم که با هزینه‌های فراوان دیوان‌سالاری اداره کشور چیزی از آن باقی نمی‌ماند.

politics@sharghdaily.ir

دیپلماسی

بررسی حکم دادگاه استیناف فدرال درباره فرمان مهاجرتی

مصائب ترامپ برای ایرانیان

یک سال گذشته و از همان اوایل صدور این فرمان، برخی دادگاه‌ها و فرمانداران ایالت‌ها، آن را رد کردند. آنها نشان دادند قوانین در ایالات متحده به گونه‌ای است که می‌تواند فرمان رئیس‌جمهور را نقض کند. وضعیت این فرمان، مراحل پیش‌رو، سرنوشت و تعداد مهاجران به‌ویژه ایرانیان مقیم آمریکا و دوتابعیتی‌ها و خانواده‌هایشان را در این صفحه بررسی کرده ایم.



کوروش احمدی، کارشناس روابط بین‌الملل:

چیزی تغییر نمی‌کند

نظر فدرال در سانفرانسیسکو صادر کرده و فرمان ترامپ را مغایر قانون مهاجرت فدرال دانسته بود. در حکم جدید با استناد به اظهارات ترامپ در زمان مبارزات انتخاباتی و بعد از آن و نیز متن فرمان اجرایی، از تبعیض‌آمیزبودن فرمان علیه مسلمانان سخن رفته و به این دلیل مغایر قانون اساسی اعلام شده است (رای ۹ قاضی از ۱۳ قاضی چنین بوده است).

جایگاه این حکم (مغایرت با قانون اساسی) در نظام قضائی آمریکا کجاست؟ آیا این حکمی نهایی و ردکننده فرمان رئیس‌جمهور است؟

حکم این دادگاه تجدیدنظر تغییری در وضعیت موجود ایجاد نمی‌کند، چراکه قیلا حکمی علیه آن توسط دادگاه تجدید نظر سانفرانسیسکو صادر شده بود. دیوان عالی آمریکا حدود یک ماه پیش اجازه داده بود که فرمان اجرایی ترامپ به‌طور موقت و تا زمان بررسی آن از سوی دیوان اجرا شود. در همان زمان دیوان اعلام کرده بود در آوریل این فرمان را از هر دو جنبه (مغایرت با قانون اساسی و قانون مهاجرت) بررسی خواهد کرد و درباره قانونی‌بودن یا قانونی‌نبودن فرمان تصمیم خواهد گرفت. انتظار می‌رود رای نهایی دیوان تا ژوئن اعلام شود. طبعاً اگر در نهایت و با تصمیم دیوان عالی، فرمان رئیس‌جمهور مغایر با قانون اعلام شود، اجرای

نظر به تمایل نویسندگان قانون اساسی آمریکا مبنی بر محدودبودن اختیارات دولت فدرال، دادگاه‌های فدرال نیز اختیارات محدود و احصاشده‌ای دارند. به‌علاوه از آنجاکه عمده قوانین مربوط به زندگی روزمره مردم توسط مجالس ایالتی وضع می‌شود، دادگاه‌های ایالتی نیز عهده‌دار رفع دعاوی ناشی از اجرای آنها هستند. قضات دیوان عالی و دیگر دادگاه‌های فدرال با معرفی رئیس‌جمهور و تصویب کنگره منصوب می‌شوند و مادام که استعفا ن داده یا محاکمه و محکوم نشده یا بازنشسته نشده باشند، در سمت خود باقی می‌مانند. در نتیجه، همیشه نوع تفسیر هر قاضی بالقوه از قوانین، مثلاً قوانین مربوط به سقط جنین و... در انتصاب او مؤثر است و به گرایش رئیس‌جمهور و اکثریت در کنگره ربط دارد.

اهمیت این حکم در چیست و احیاناً آیا محتوای آن ویژگی خاصی دارد؟

صدور این حکم از سوی دادگاه فدرال تجدید نظر دومین ضربه قضائی است که به فرمان اجرایی ترامپ درباره محدودیت ورود اتباع هفت کشور (ایران، سومالی، سوریه، کره شمالی، یمن، ونزوئلا و چاد) به آمریکا وارد می‌شود. حکم بدوی را قبلاً یک دادگاه منطقه‌ای در مریلند و براساس شکایت چند نهاد غیردولتی آمریکایی صادر کرده بود. حکم قضائی قبلی را دادگاه نهم تجدید

آن متوقف خواهد شود. با توجه به اینکه درحال‌حاضر اکثریت قضات دیوان، محافظه‌کار محسوب می‌شوند (۵ نفر از ۹ نفر). باید دید تصمیم دیوان نهایتاً دراین‌باره چه خواهد بود. نیل گورسج، آخرین قاضی دیوان، از سوی ترامپ و کنگره کنونی در آوریل ۲۰۱۷ منصوب شد و فرض بر این است که تمایلات محافظه‌کارانه دارد.

شما در مطالبات همیشه به پایگاه رای سنتی ترامپ توجه می‌کنید. آیا این فرمان در راستای نظرات آنها و تمایلات آنها بود؟

قطعاً. پایگاه رای محافظه‌کار ترامپ در امور مشکلات اجرایی متعدد در زمان اوپاما مواجهه شدند. در چنین شرایطی دونالد ترامپ با شعارهایی مشابه دو رئیس‌جمهور قبلی ولی با لحنی تندتر وارد کارزارهای انتخاباتی شد. البته ترامپ با توجه به بخش مهمی از پایگاه رای خود که متشکل از افراد «راست‌سفیدیست افراطی» است، این شعارهای مهاجرتی را با شعارهایی ضداسلامی مخلوط کرد و برخلاف سلف خود، با تأکید بر واژه «تورویسم اسلامی» عملاً سیاست‌های مهاجرتی ضداسلامی را در قالب تبلیغ خود، با این توجیه که سیاست‌های مهاجرتی جاری، ورود توریست‌ها را به آمریکا تسهیل می‌کند، موضوعی که در حکم اخیر دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۴ آمریکا هم مورد استناد قرار گرفته است. در این راستا، ترامپ هفت روز بعد از ورود به کاخ سفید، فرمان اجرایی ۱۳۷۶۹ را با عنوان فرمان «حفاظت از ملت در برابر ورود توریست‌های خارجی

به آمریکا» امضا کرد که ورود شهروندان هفت کشور مسلمان ایران، عراق، سوریه، لیبی، سومالی، سودان و یمن به آمریکا را فارغ از نوع ویزای آنها به مدت ۹۰ روز ممنوع و هم‌زمان محدودیت‌هایی برای ورود یا پذیرش پناهندگان و به‌ویژه پناهندگان سوری اعمال می‌کرد. این فرمان با توجه به شعارهای همدش به فرمان «منع سفر مسلمانان» یا MuslimBan مشهور شد. اجرای این فرمان ابتدا با چند حکم محلی و بعد با حکم دادگاه فدرال واشنگتن و تأیید دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹ در سراسر آمریکا متوقف شد. متعاقباً ترامپ با فرمان اجرایی ۱۳۷۸۰ در ششم مارس فرمان قبلی را لغو و فرمان مشابهی را با تفاوت‌هایی اندک مثل حذف اسم عراق از لیست قبلی جایگزین کرد. این فرمان هم

ممنوعیت سفر آمده است که متقاضیان روادید باید اطلاعات خود در شبکه‌های اجتماعی را تا پنج سال پیش از درخواست خود ارائه کنند. جمع‌آوری چنین اطلاعاتی برای متقاضی سفر به آمریکا سخت و بررسی آن برای مسئولان آمریکایی بسیار وقت‌گیر خواهد بود. به نظر می‌رسد حتی اگر دیوان عالی هم در نهایت به حذف فرامین سفر رای دهند – که البته دور از انتظار خواهد بود – دولت با استفاده از حق انحصاری صدور روادید آن چنان شرایط سختی را اعمال خواهد کرد که عملاً ورود اتباع کشورهای در فهرست ممنوعیت سفر برای مسئولان آمریکایی بسیار وقت‌گیر خواهد بود. در نظر می‌رسد حتی اگر دیوان عالی هم در نهایت به حذف سخت‌گیری‌های شدید از سفر به آمریکا خودداری کنند. این موضوع از این جهت برای اتباع ایرانی محتمل‌تر است که دولت جمهوری اسلامی ایران هرگز حاضر نخواهد شد اطلاعات شخصی و امنیتی اتباع خود را به اطلاع دولت آمریکا برساند و اصولاً چنین تماس‌هایی بین دو کشور معمول نیست و از این رو دولت آمریکا قادر خواهد بود با توجیه اینکه دولت ایران همکاری نمی‌کند، مانع ورود اتباع ایرانی به آمریکا شود. درحالی‌که برای کشورهایمانند یمن، سومالی، لیبی و چاد چنین محدودیت‌هایی وجود ندارد.

ترامپ تهدید کرده هر طری‌حی را که مخالف فرمان مهاجرتی او باشد، لغو می‌کند. بالاخره سرنوشت این فرمان چیست؟

فرامین ممنوعیت سفر بخشی از چالش بزرگ‌تر یعنی سیاست‌های مهاجرتی است. جریان ملی‌گرای آمریکایی که اکنون ترامپ آن را نمایندگی می‌کند، نه‌فقط مخالف ورود مسلمانان، مکزیک‌ی‌ها و مهاجران غیرقانونی به آمریکاست بلکه در تلاش است روند مهاجرت‌های قانونی در قالب مهاجرت‌های زنجیره‌ای یا لاتاری گرین‌کارت را هم متوقف کند. از آنجا که جامعه آمریکا بعد از سه قرن از مهاجرت اشباع شده و مضرات پذیرش مهاجران – حتی مهاجران قانونی – بر فواید آن غلبه کرده است و حفظ مشاغل در آمریکا و تأمین امنیت داخلی این کشور به موضوع محدودیت‌های مهاجرتی گره خورده است، انتظار می‌رود سیاست‌های ضدمهاجرتی ترامپ در نهایت به اجرا گذاشته شود. فراموش نشود درحال‌حاضر در مقطع خاص تاریخی، حاکمیت در ایالات متحده شامل قوای مجریه، مقننه و قضائیه در اختیار محافظه‌کاران قرار گرفته و محافظه‌کاران اصولاً ضدمهاجرت هستند. در نتیجه اول انتظار خواهد بود که فرامین ممنوعیت سفر هم مشمول تدابیر ضدمهاجرتی در آمریکا شود.

نگاه

چالش مهاجرت



● **«توماس دای»** در کتاب ارزشمند خود راجع به ساختار حکومت در آمریکا می‌گوید: برای درک سیاست در آمریکا، یکی از بهترین سرنخ‌ها توجه به وضعیت قوانین مهاجرتی و ناکامی رؤسای‌جمهور اعم از دموکرات و جمهوری‌خواه در سامان‌دادن به آن است. در دوران معاصر بسیاری از رؤسای‌جمهور آمریکا به‌ویژه بوش و اوپاما، با شعار مردم‌پسند سروسامان‌دادن به این وضعیت به کاخ سفید رفتند، ولی در عمل کاری از پیش نبرده‌اند و ۱۲ میلیون (و بر اساس برخی آمار ۱۸ میلیون) مهاجر غیرقانونی در آمریکا و رشد چندبرابری آنها در دو دهه گذشته نماد این ناکامی است. «توماس دای» یک جواب ساده برای توضیح این معما دارد: نیاز صنایع و مزارع آمریکایی به کارگران ارزان و با کمترین حقوق در قالب مهاجران غیرقانونی، صاحبان همین صنایع هستند که با لابی‌های گسترده و هزینه‌های سنگین رسانه‌ای اجازه نداده‌اند نه طرح‌های ساماندهی مرزی جورج دبلیو بوش به نتیجه برسد و نه طرح‌های اوپاما برای ثبت‌نام و تغییر وضعیت مهاجران غیرقانونی، حتی با وجود نیاز و لابی برخی صنایع با تکنولوژی بالا به نیروهای کیفی و جوان تحصیل‌کرده برای تسهیل برخی انواع مهاجرت قانونی، اقداماتی مقطعی مثل فرمان داکا (راجع به فرزندان مهاجران غیرقانونی) با مخالفت کنگره و مشکلات اجرایی متعدد در زمان اوپاما مواجهه شدند. در چنین شرایطی دونالد ترامپ با شعارهایی مشابه دو رئیس‌جمهور قبلی ولی با لحنی تندتر وارد کارزارهای انتخاباتی شد. البته ترامپ با توجه به بخش مهمی از پایگاه رای خود که متشکل از افراد «راست‌سفیدیست افراطی» است، این شعارهای مهاجرتی را با شعارهایی ضداسلامی مخلوط کرد و برخلاف سلف خود، با تأکید بر واژه «تورویسم اسلامی» عملاً سیاست‌های مهاجرتی ضداسلامی را در قالب تبلیغ خود، با این توجیه که سیاست‌های مهاجرتی جاری، ورود توریست‌ها را به آمریکا تسهیل می‌کند، موضوعی که در حکم اخیر دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۴ آمریکا هم مورد استناد قرار گرفته است. در این راستا، ترامپ هفت روز بعد از ورود به کاخ سفید، فرمان اجرایی ۱۳۷۶۹ را با عنوان فرمان «حفاظت از ملت در برابر ورود توریست‌های خارجی به آمریکا» امضا کرد که ورود شهروندان هفت کشور مسلمان ایران، عراق، سوریه، لیبی، سومالی، سودان و یمن به آمریکا را فارغ از نوع ویزای آنها به مدت ۹۰ روز ممنوع و هم‌زمان محدودیت‌هایی برای ورود یا پذیرش پناهندگان و به‌ویژه پناهندگان سوری اعمال می‌کرد. این فرمان با توجه به شعارهای همدش به فرمان «منع سفر مسلمانان» یا MuslimBan مشهور شد. اجرای این فرمان ابتدا با چند حکم محلی و بعد با حکم دادگاه فدرال واشنگتن و تأیید دادگاه تجدیدنظر ناحیه ۹ در سراسر آمریکا متوقف شد. متعاقباً ترامپ با فرمان اجرایی ۱۳۷۸۰ در ششم مارس فرمان قبلی را لغو و فرمان مشابهی را با تفاوت‌هایی اندک مثل حذف اسم عراق از لیست قبلی جایگزین کرد. این فرمان هم

ساعاتی پیش از اجرا با حکم دادگاه‌های هاوایی و مریلند و متعاقباً تأیید ناحیه ۴ تجدیدنظر تعلیق شد، هرچند بخش‌هایی از آن در ارتباط با پذیرش پناهندگان

با حکم ۲۷ ژوئن دادگاه عالی موقتاً اجازه اجرا یافت، سومین فرمان ترامپ در این زمینه در تاریخ ۱۴ سپتامبر

با برخی تغییرات مثل افزودن نام کره‌شمالی و ونزوئلا

(برای اینکه بگوید این قانون ضدمسلمانان نیست) و

حذف نام سودان در ابلاغیه ۹۶۴۵ صادر شد. با وجودی

که این ابلاغیه هم با رای دادگاه‌های هاوایی و مریلند و

دادگاه تجدیدنظر ناحیه نهم موقتاً تعلیق شد، دادگاه

عالی آمریکا به دولت ترامپ اجازه داد تا آن را تقریباً

به‌طور کامل از تاریخ چهارم دسامبر تا زمان رسیدگی

به آن اجرایی کند. هرچند رای اخیر دادگاه تجدیدنظر

ناحیه چهار درباره مغایرت این ابلاغیه با قانون اساسی

ایرانی-آمریکایی در این کشور زندگی می‌کند که اگر

آمار دارندگان مجوز اقامت دائمی یا نسل‌چندمی‌ها با

فرمان ایرانیان را به آن اضافه کنیم، می‌شود آمار ۱.۲ تا

۲ میلیون نفر ایرانی مقیم آمریکا را معقول دانست.

با این حال، با ملاک قراردادن آمار رسمی سال ۲۰۱۶،

بزرگ‌ترین گروه‌های جمعیتی سایر کشورهای مسلمان

متأثر از این ابلاغیه، بعد از ایران متعلق به سوریه با

۱۸۷ و سومالی با ۱۵۶ هزار نفر است و به نظر می‌رسد

رفت‌وآمد ایرانیان به دلیلسطح تحصیلات و درآمد بیش

از سایر گروه‌ها باشد. درمجموع به نظر نمی‌رسد بیش‌ترین اثر آن

مانند رؤسای‌جمهور قبل از خود در ساماندهی و کاهش

۱۲ میلیون مهاجر غیرقانونی در زمین کنگره، دستاورد

ملموسی داشته باشد، با این حال، تلاش می‌کند با

اقداماتی نمایشی و پسرروصدا مثل ساخت دیوار در

مرکزکز (که بسیاری آن را بی‌اثر و صرفاً نمادین

می‌دانند) با منع روابط اتباع کشورهای مسلمان به

ایران، فرمان کرده‌اشد. درمجموع به نظر نمی‌رسد ترامپ

آمریکا، هادواران خود را راضی کند. به‌راند تا آوریل

امسال و اعلام رای دادگاه عالی صبر کرد، ولی با توجه

به اینکه در این دادگاه هم قضات محافظه‌کار اکثریت

یافته‌اند، به نظر می‌رسد نمایش ترامپ تا مدت‌ها و

شاید در دوره ریاست‌جمهوری‌اش ادامه یابد: نمایش

برای نمایش.